



عهد و گفتگو

Judah Halevi
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمیل رویرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زهری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در فصاحت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

Nitzavim-Vayelech

To Renew Our Days

نیتز اویم - ویلخ: نوسازی روزهایمان

وقت موعود فرارسیده بود. موسی رو به رحلت داشت. او پیشتر شاهد درگذشت خواهرش میریام و برادرش اهرون بود. به درگاه خدا دعا کرده بود که تا ابد زندگی نکند و حتی عمرش بسیار طولانی نباشد، اما فقط "بگذار عبور کنم و سرزمین نیکوی ورای رود اردن را ببینم" (تثنیه ۳:۲۵). بگذار سفرم را کامل کنم. بگذار به مقصد برسم. اما خدا گفت نه:

خدا گفت: همین کافی است. بیش از این با من در این باره سخن نگو. (تثنیه

(۳:۲۶)

خدا که به همه دعاهای دیگر موسی پاسخ مثبت گفته بود، این خواسته را از او دریغ کرد.¹

¹ There is an important lesson here: It is the prayers we pray for others, and others pray for us, that are answered; not always those we pray for ourselves. That is why when we pray for the healing of the sick or the comfort of the mourners we do so specifically "in the midst of others" who are ill or bereaved. As Judah Halevi pointed out in *The Kuzari*, the

موسی سپس در این آخرین روزهای زندگی خود چه کرد؟ او دو دستور صادر کرد که آخرین از ۶۱۳ دستور بودند و پیامدهای مهمی برای آینده یهودیت و ملت یهود داشتند. نخستین دستور را با نام *Hakhel* هخل می شناسیم، دستوری که شاه باید مردم را به گردهمایی سوکوت هفتمین سال شمیطا فراخواند:

در پایان هر هفت سال در سال لغو کردن همه بدهی ها، هنگام جشن سوکوت، وقتی همه یهودیان در پیشگاه خداوند خدای تو در مکان برگزیده او گردمی آیند، باید این قانون را برای آنها بخوانید و آنها گوش بدهند. مردم را گردیاور - از مرد، زن و کودک و غریبانی که در شهرهای تو ساکن هستند - تا بشنوند و بیاموزند که هیبت خداوند خدای تو را به دل داشته باشند و به دقت همه کلمات این کتاب قانون را رعایت کنند. فرزندان آنها که این قانون را نمی دانند، باید به آن گوش بدهند و آنرا بیاموزند و تا زمانی که در سرزمینی زندگی می کنی که برای رسیدن به آن از رود اردن عبور می کنی، هیبت خداوند، خدای خود را به دل داشته باشند. (تثیه ۱۳-۱۰:۳۱)

هیچ اشاره مشخصی به این دستور در کتاب های قبلی تنخ وجود ندارد، اما روایت هایی از گردهمایی های مشابه هست: مراسم احیای عهد، که طی آنها شاه یا مقام همپایه او مردم را گرد می آورد و برای آنها تورات را می خواند یا تاریخ را یادآور می شود و از آنها می خواهد که روی مفاد عهد با خدا از نو استوار شوند.

در واقع این همان کاری بود که موسی در ماه آخر حیات خود انجام داد. کتاب تثیه [دواریم] در کل، بیان دوباره عهد است تقریباً چهل سال و یک نسل پس از عهد با خدا در

interests of individuals may conflict with one another, which is why we pray communally, seeking the collective good.

کوه سینا. نمونه دیگری در آخرین باب کتاب یهوشوع هست (باب ۲۴) که وقتی یهوشوع دستور جانشینی موسی را اجرا کرد، مردم را کنار رود اردن گرد آورد و آنها را در جنگ ها و اسکان در زمین ها رهبری کرد.

یک مورد دیگر چند قرن بعد هنگام سلطنت شاه یوشیا رخ داد. پدربزرگ او منشه که پنجاه و پنج سال حکومت کرد، یکی از بدترین پادشاهان یهودا بود که انواع بت پرستی از جمله قربانی کردن کودکان را رسم کرد. یوشیا می خواست ملت به ایمان خود بازگردند و از جمله دستور داد که معبد را پاکسازی و تعمیر کنند. در هنگام بازسازی بود که نسخه ای از تورات کشف شد² که در جایی مخفی پنهان شده بود تا از گزند دهه ها رواج بت پرستی و فراموش شدن تورات مصون بماند. شاه عمیقا از این کشف تحت تاثیر قرار گرفت و یک گردهمایی از نوع *Hakhel* مغل برگزار کرد:

سپس شاه همه مشایخ یهودا و یروشالایم را فراخواند. او به فراز معبد خداوند رفت و مردم یهود و ساکنان یروشالایم، کاهنان و انبیاء و همه مردمان از فرودست تا اعیان آنجا بودند. او در حضور آنها همه کلمات کتاب عهد را که در معبد خداوند یافته بود، خواند. شاه در کنار ستون معبد ایستاد و عهد را در پیشگاه خداوند تجدید کرد تا همه دستورها، احکام و قواعد او را با تمام قلب و روح خود رعایت کنند و به این ترتیب کلام عهد مندرج در کتاب را تجدید کرد. سپس همه مردم به عهد متعهد شدند. (کتاب دوم پادشاهان ۳-۱:۲۳)

² This is Radak and Ralbag's understanding of the event. Abarbanel finds it difficult to believe that there were no other copies of the Torah preserved even during the idolatrous periods of the nation's history, and suggests that what was discovered sealed in the Temple was Moses' own Torah, written by his hand.

مشهورترین مراسم از نوع *Hakhel* گردهمایی ملی عزرا و نحمیا پس از موج دوم بازگشته ها از بابل بود (نحمیا ۸-۱۰). او با ایستادن بر سکویی در یکی از دروازه های معبد، تورات را برای مردم خواند، در حالی که لوی ها را در میان جمعیت گماشته بودند تا برای مردم آنچه گفته می شد را شرح دهند. مراسم در رش هسانا آغاز شد، پس از سوکوت به اوج رسید: "مردم با یک لعنت و یک سوگند عهد بستند که همه دستورها، احکام و قواعد قانون خداوند، خدای ما را که به موسی خدمتگزار خدا داده شده بود، به دقت رعایت کنند." (نحمیا ۲۹:۱۰)

دستور دیگر یعنی آخرین دستور موسی این بود: "اینک این سرود را بنویسید و به همه بنی اسرائیل بیاموزید". بنا به نظر حکیمان تلمودی منظور این دستور، نوشتن یک سفر تورات یا بخشی از آن است. چرا در این زمان، این دو دستور داده شد؟

نکته ای عمیق اینجا رد و بدل شد. به یاد بیاورید که خدا گویی برای رد خواست موسی برای عبور از رود اردن سخن او را قطع کرد: "کافی است... دیگر در این باره با من سخن نگو." آیا این تورات است و پاداش آن چنین است؟ آیا خدا این گونه به بزرگترین پیامبر پاداش داد؟ قطعاً نه.

در این دو دستور آخر خدا به موسی و از راه آن به یهودیان در طول قرون آموخت که نامیرایی در زمین و عرش یعنی چه. ما میرا هستیم زیرا مادی هستیم و هیچ موجود فیزیکی برای همیشه زندگی نمی کند. ما رشد می کنیم، پیر و شکننده می شویم و می میریم. اما فقط فیزیکی نیستیم. ما روحانی نیز هستیم. در این دو دستور آخر به ما یاد داده شد بخشی

از یک روح بودن که در چهار هزار سال نمرده و تا وقتی خورشید و ماه و ستارگان هستند نخواهد مرد، به چه معنا است.³

خدا به موسی و از راه او به ما نشان داد که چگونه می توانیم بخشی از تمدنی بشویم که هرگز پیر نمی شود؛ جوان می ماند زیرا مرتب خود را نوسازی می کند. دو دستور آخر تورات درباره نوسازی و احیاء است: اول جمعی و سپس فردی.

Hakhel یا مراسم احیای عهد در هر هفت سال تضمین کرد که ملت یهود پیوسته خود را به رسالتش متعهد سازد. من اغلب استدلال کرده ام که یک مکان در دنیا هست که این مراسم نوسازی و تجدید عهد هنوز در آنجا اجرا می شود: ایالات متحده آمریکا.

مفهوم عهد، نقشی تعیین کننده در سیاست اروپای قرن شانزدهم و هفدهم بازی کرد، به ویژه در ژنو دوره کالوین و در اسکاتلند، هلند و انگلستان. اما بلندمدت ترین تاثیر در آمریکا بود که اولین مهاجرنشینان پیوریتن در آنجا ساکن و حتی تا امروز به بخشی از فرهنگ سیاسی آن تبدیل شدند. تقریباً هر خطابه رئیس جمهور آمریکا که از ۱۷۸۹ تا کنون هر چهار سال یک بار انجام شده، به روشنی و آشکاری یک مراسم احیای عهد و شکلی معاصر از هخل است.

در سال ۱۹۸۷ پرزیدنت رونالد ریگان هنگام سخن گفتن در دویستمین سالگرد قانون اساسی آمریکا، آن را این گونه توصیف کرد: "عهدی که ما نه فقط با خود بلکه با بشریت بسته ایم... یک عهد انسانی. آری، و فراتر از آن عهدی با وجود متعالی خدا که پدران بنیانگذار ما پیوسته از او کمک می خواستند." او گفت: "وظیفه آمریکا این است که: پیوسته عهد خود با بشریت را احیا کند... و کاری را که دویست سال پیش آغاز کرده، آن

³ See Jeremiah 31.

کار شریف عظیم را که رسالت آمریکا است، کامل کند: پیروزی آزادی انسان، پیروزی آزادی انسان در سایه خدا.⁴

اگر مراسم هخل یک احیای ملی است، دستور مشارکت هر یک از ما در نوشتن یک سفر توراها یک احیای فردی است. موسی از این راه می خواست به همه نسل های آینده بگوید: من تورات را از پدرانم گرفتم (پدر بزرگ ها و اجدادم). شما باید آنها بگیرید و در هر نسل احیاء کنید.

یکی از شگفت انگیزترین امور زندگی یهودیان این است که از اسرائیل تا پالو آلتو یهودیان مشتاق ترین استفاده کنندگان از فن آوری اطلاعات هستند و بسی بیشتر از تناسب جمعیت خود به گسترش آن یاری رسانده اند (گوگل، فیسبوک و ویز). اما ما هنوز تورات را همان گونه می نویسیم که هزاران سال پیش می نوشتند - با دست، با پر، بر روی توماری از پوست. این یک نازسازه نیست؛ یک حقیقت عمیق است. مردمی که گذشته را با خود حمل می کنند، می توانند بدون ترس آینده را بسازند.

تجدید عهد یکی از دشوارترین کارهای بشری است. چند سال پیش، با مردی جلسه داشتم که قرار بود نخست وزیر بریتانیا بشود. او در جریان گفتگو گفت: "آنچه من برایش بیش از همه دعا می کنم این است که وقتی به خیابان داویننگ و مقر نخست وزیری بروم هیچ گاه فراموش نکنم چرا می خواستم آنجا باشم؟" من شک دارم که او گفته مشهور هارولد مک میلان نخست، وزیر انگلستان بین ۱۹۵۷ و ۱۹۶۳، را به یاد داشت که وقتی از او پرسیده بودند در سیاست بیش از همه از چه چیزی هراس دارد، گفته بود: "از رویدادها جانم، رویدادها!"

⁴ *Public Papers of the Presidents of the United States, Ronald Reagan, 1987, 1040-43.*

اتفاق‌ها می‌افتند. با‌دها به ما می‌خورند، در مشکلاتی که خود نساخته‌ایم گرفتار می‌آییم و می‌لغزیم. وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، خواه برای افراد یا نهادها یا ملت‌ها ما پیر می‌شویم. فراموش می‌کنیم که هستیم و چرا اینجا هستیم. در نهایت، مردم یا سازمان‌ها یا فرهنگ‌هایی که جوانتر، گرسنه‌تر، یا با‌انگیزه‌تر از ما هستند از ما جلو می‌زنند.

تنها راه جوان، گرسنه و با‌انگیزه ماندن تجدید عهد‌های دوره‌ای است و یادآوری به خود که از کجا آمده‌ایم، به کجا و چرا می‌رویم.

به چه ایده‌آل‌هایی متعهد هستیم؟ برای ادامه چه مسیری فراخوانده شده‌ایم؟ بخشی از چه داستانی هستیم؟

با چه زمانبندی دقیق و با چه زیبایی در همان لحظه‌ای که بزرگترین پیامبر با میرایی خود رویاروی شد، خدا با او و ما راز نامیرایی را در میان گذاشت - نه فقط نامیرایی در عرش الهی، بلکه همچنین این پایین در زمین. زیرا وقتی ما به مفاد عهد پایبند می‌مانیم و در زندگی خود آنرا احیا می‌کنیم، در وجود کسانی که پس از ما می‌آیند زندگی خواهیم کرد، خواه فرزندان ما باشند و خواه شاگردان ما یا کسانی که به آنها کمک کرده یا الهام بخشیده‌ایم. "ما روزهای خود را مانند روزهای قدیم بازمی‌سازیم" (مرثیه‌ها ۵:۲۱). موسی درگذشت اما آنچه یاد داد و در نظر داشت، به حیات خود ادامه می‌دهد.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org



@RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved